

باز تاب آثار علامه عسکری در میان متفکران اهل سنت

سید رضا موسوی

عضو حلقه‌ی علمی تاریخ

چکیده

علامه عسکری یکی از عالمان و محدثان و مورخان کم نظیری است که در دارای آثار بینظیری در علوم فقه، حدیث و تاریخ میباشد. علامه‌ی بزرگوار در کتب خود با روشی جدید و بدون ذرهای اهانت و تهمت و بدگویی، از مکتب اهل بیت (ع) دفاع کرده است. آثار ارزشمند وی، چنان عمیق، استوار و روشمند نگارش شده است که تحسین مخالفان را نیز برانگیخته است. این آثار نه تنها در بین اهل تشیع بلکه در میان اهل تسنن نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است به حدی که برخی به خاطر شیوایی و اتقان کتب علامه، به مکتب شیعه گراییده‌اند. ایشان تمام عمر پربرکت خویش را در راه زدودن شبهات و تبیین و ترویج معارف اهل بیت (ع) صرف نمودند.

کلیدواژه‌ها: علامه عسکری، تألیفات علامه عسکری، همگرایی مذهبی، وحدت اسلامی، مکتب اهل بیت، مکتب خلفا، پاسخگویی به شبهات.

مقدمه

قرن‌هاست که اسلام و مسلمین - پس از رحلت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) - با جریانات گوناگون و مشکلات متعددی دست و پنجه نرم کرده و فراز و نشیب‌ها را پشت سر نهاده‌اند. آنچه در این میان شناخت صحیح اسلام و به ویژه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و فهم و درک حقایق آن را تهدید می‌کند، لحظه‌ای عالمان و اندیشمندان دین را آرام نگذارد تا جایی که مسؤولیت سنگین تبیین و تبلیغ حقایق اسلامی و زدودن زنگارهای موجود از چهره‌ی دین، گروه‌های بسیاری را به صحنه کشانده و آنان را به تحقیقات و پژوهش‌های گسترده در این زمینه وادار ساخت. اما به راستی صفحات تاریخ، نشاندهنده‌ی این واقعیت است که تنها عده‌ی کمی توانسته‌اند در مسیر مبارزه با انحرافات و تحریفات وارده بر دین، آن گونه که باید، اثر گذارند. شاید اگر نبودند عالمان بزرگی که در پاسداری از اسلام و مکتب اهل بیت (ع) منشأ خدمات ارزنده و منحصر به فردی گردیده‌اند، و اکنون جهان اسلام و مسلمانان شرایط سختتری را تجربه می‌نمودند.

بی تردید، یکی از این عالمانی که به واسطه‌ی خلق آثار محققانه و بسیار ارزشمند و تأثیرات عمیقی که این آثار در شناخت و درک صحیح حقایق اسلامی می‌گذارد، بسیار قابل ستایش است، مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری می‌باشد. ایشان با درک شرایط حساس اسلام و مسلمین، به ویژه شیعیان جهان - که سیل اتهامات به سوی آنان سرازیر گشته بود - به پا خواست و کوشید تا میراث اسلامی را به دور از پیرایه‌ها

و تحریفات استخراج نماید. او می‌کوشید تا به اصالت و حقیقت اسلام و ژرفای ناب و خالص آن دست یابد و اسلام را آن گونه که هست بنمایاند.

رهیافت به علل و انگیزه‌های علامه در تألیف آثار گرانقدرش، تا حد زیادی دغدغه‌های ایشان در ارتباط با این مسئله را آشکار می‌سازد. ایشان در تبیین انگیزه‌ی خویش در تألیف کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» می‌نویسد: «چهاردهمین قرن اسلام به پایان خود نزدیک می‌شود. فاصله‌ی زمانی به این دوری و درازی کار معرفت صحیح اسلام را بس دشوار ساخته است. نگارنده بیش از چهل سال است آنچه را که در توان داشته، در راه این معرفت به کار برده تا شاید اسلام را آن چنان که هست دریابد... معلوم شد که در روایتهای سیره و تاریخ و حدیث آن قدر نعل وارونه زده‌اند که حساب ندارد و در آن چنان نموده‌اند که قاتل را مقتول و ظالم را مظلوم و شب را روز نشان داده‌اند... آن قدر در حدیث و سیره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حدیث دروغ و افسانه‌های زنده انباشته شده است که با وجود آنها پی بردن به اسلام صحیح در حد محال است و وجود آن احادیث دروغ باعث شده تا اسلام بد آموخته شود... بارخدا! آیا سکوت در اینجا پوششی برای این همه جرم نیست؟ آیا سکوت، خود، بزرگترین گناه نمی‌باشد؟ آری! سکوت در مقابل این همه جرم، خود از همه جرم‌ها سنگینتر است.»[□]

خوشبختانه تلاش‌های فراوان علامه در این راه به ثمر نشست و بررسی نتایج به دست آمده از آثار ایشان، نقش ویژه و منحصر به فرد این آثار را آشکار می‌سازد تا جایی که به تعبیر خود علامه، این آثار بر جریان تفکر اسلامی تأثیر گذار بوده است.[□]

آنچه در این میان جالب توجه است، بازتاب گسترده‌ی آثار علامه در جوامع اهل سنت، به ویژه در میان متفکران آنان، و نیز تأثیرات عمیقی است که بر افکار و اذهان آنان به جای گذارده است. در واقع، بررسی وضعیت موجود و فضای حاکم بر جامعه‌ی اسلامی و نیز تعاملات و اختلافات موجود میان شیعیان و اهل تسنن، ارزش والای این تألیفات را آشکار می‌سازد.

سیل بر آمده از احساسات گروه‌هایی که ارزش والای آثار علامه را دریافته‌اند و نیز نقد و بررسی آثار علامه توسط گروه‌های دیگری از متفکران اهل سنت، از اهمیت ویژه و تأثیرگذاری شگرف این آثار حکایت می‌نماید.

اکنون در این اثر به دنبال آن هستیم تا به گوشه‌های از بازتاب آثار علامه و جایگاه ویژه آن در جامعه اهل سنت، به ویژه در میان علما و متفکران آنان، پرداخته، به بار نشستن تلاشهای این بزرگ الهی را به تصویر بکشانیم.

□- عسکری، سید مرتضی، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه عطاء محمد سردارنیا، ۲۰/۱-۲۶.

□- مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.

نگارنده امیدوار است همان گونه که خود تحت تأثیر این همه اثرگذاری آثار علامه قرار گرفت، بتواند ذره‌ای از این احساس را به مخاطبان عزیز منتقل نماید.

بازتاب آثار علامه عسکری

بخش اول:

فضای نامناسب نشر آثار و تفکرات تشیع در مناطق اهل تسنن و نگاه بدبینانه‌ی ایشان به عقاید شیعه و نیز پایبندی سخت پیروان مکتب خلفا به عقایدشان و... هیچ کدام نتوانست از تأثیرگذاری آثار علامه جلوگیری نماید. آثار ایشان هر کجا که وارد می‌شد، اذهان و اندیشه‌های گروه‌های بسیاری را در می‌نوردید و تأثیرات عمیقی را در دل هزاران نفر ایجاد می‌نمود.

بیت‌ردید، تأثیر این آثار در تحولات اجتماعی از قبیل تأثیرگذاری بر جریان تفکر اسلامی، بسترسازی وحدت مسلمین و زدودن نگاه بدبینانه از مکتب اهل بیت (ع) و گرایش هزاران انسان به این مکتب انسان - ساز از نکات قابل توجه در آثار علامه است که در ذیل به بیان و بررسی آن می‌پردازیم.

۱- تأثیر بر جریان تفکر اسلامی

با مطالعه و بررسی تاریخ صدر اسلام و روند شکلگیری حوادث و جریانات آن عصر، در خواهیم یافت که فهم و درک صحیح از حقایق اسلامی امری سخت و دشوار خواهد بود؛ چرا که عوامل مختلف دست به دست هم داد تا گروه‌های بسیاری با جعل حدیث و وارونه ساختن حقایق آن دوران پیام والا و ارزشمند اسلام را به دروغ و افتراهای زیادی مخلوط سازند.

در واقع، وقتی که بازار جعل حدیث تا آنجایی پیش می‌رود که شخصیتی چون معاویه کارخانه‌ی حدیث‌سازی تشکیل داده و گروه‌های زیادی را به انجام این امر تشویق می‌نماید، به راحتی می‌توان مشکلات فراوی پژوهشگر مسائل اسلامی را دریافت.

به هر ترتیب، در هم آمیختن سره و ناسره و حقایق و اکاذیب در تاریخ اسلام و احادیث نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) تا حدی است که امروزه مشاهده می‌نماییم که بعضی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی در فهم و درک درست حقایق اسلام با مشکل مواجه شده و گاهی به گرفتن نتایج اشتباه و درک نادرست دچار شده‌اند.

در این میان علامه عسکری (علیه الرحمه) با درک شرایط حساس و سرنوشت ساز به پا خواست و با تلاش فراوان و خستگی ناپذیر به روشنگری در زمینه‌ی تاریخ صدر اسلام پرداخت و با پالایش احادیث موجود زمینه شناخت حقیقت اسلام را فراهم ساخت. او کوشید تا اسلام را آن گونه که هست، شناخته و بشناساند و تمام همت خویش را در زدودن شبهات و ایرادات وارده بر اسلام به کار بست.

نتایج به‌دست آمده در آثار علامه به حدی متقن و منطقی است که نه تنها علمای شیعه، بلکه گروه‌های زیادی از علمای مکتب خلفا نیز به درستی و صحت این نتایج اذعان نموده‌اند.

محمود ابوریه از دانشمندان و متفکران اهل تسنن پس از اشاره به وضعیت نابسامان اخبار و احادیث موجود، درباره آثار علامه می‌نویسد: « اکنون بسیار شاد و مسرورم که این حقیقت را ابراز و اعلان کنم که

یکی از دانشمندان محقق و بزرگ عراق (استاد مرتضی عسکری) به این مسؤولیت بزرگ علمی و مذهبی قیام نموده و کتاب‌هایی در این باره منتشر نموده که واقعاً آئینه تمام‌نمای حقیقت و روشنگر افکار است. و همه افراد می‌توانند تاریخ صحیح و اصیل اسلام را که در آن کتاب‌ها منعکس است، مطالعه نموده و به دست آورند... [باید] با دلی آکنده از اخلاص بگویم: هر کس آرزومند است که از حقایق تاریخ اسلام از دوران پیدایش آن تابیعت یزید آگاهی یابد، لازم است آن دو کتاب پر ارزش و تحقیقی «عبدالله بن سباء» و «احادیث ام المؤمنین عایشه» را مطالعه کند و در مطالب آنها دقت و تأمل نماید».[□]

دکتر حامد حنفی نیز به نکات قابل توجهی درباره‌ی پیامدهای نتایج آثار علامه اشاره نموده و درباره کتاب عبدالله بن سباء می‌نویسد: «سایر مباحث کتاب... حقایق را آشکار می‌کند به طوری که در آیندهای بسیار نزدیک، تحولات عمیقی را در تاریخ اسلام ایجاد خواهد کرد».[□] در واقع، وی ارزش والای تحقیقات علامه را به خوبی دریافته و به نتایج مثبت و ارزندهای که مطالعه این آثار می‌توانست به بار آورد، پیبرده بود.

ایشان در جای دیگر به نتیجه اثر علامه در توجه و نگاه اهل سنت به منابع اسلامی و عوض شدن دیدگاه آنان درباره‌ی صحت متون اسلامی اشاره نموده و با درک این واقعیت می‌نویسد: «حکمت خداوند عزوجل چنین خواسته که مردانی محقق قلم به دست گیرند و حقایق را بیبرده بیان نمایند و در این راه از سرزنش ملامت گویان اندیشه نکنند. مؤلف محترم اولین طلیعه‌ی این صبح می‌باشد که با تحقیقات عمیق خود توانسته‌اند دانشمندان محقق پیرو تسنن را مجبور سازند تا در کتاب طبری تجدید نظر کنند. ایشان را مجبور ساخته تا در آن کتاب و سایر کتاب‌های تاریخ اسلامی دوباره به دقت بنگرند و زشت را از زیبا جدا سازند. همان حوادث تاریخی که چنان به درستی آنها معتقد بودند که آنان را مانند وحی منزل از تغییر و تبدیل به دور می‌دانستند. مؤلف محترم با کمک شواهدی بسیار از چهره‌ی آن وقایع تاریخی، پرده‌ی ابهت را فرو انداخت و حقایق را با بهترین روش برای طالبین آشکار نمود تا آنجا که بعضی از این حقایق بسیار هولناک و حیرت‌انگیز جلوه می‌کند؛ زیرا با عادت یک عمر و میراث اعتقاد چندین قرن مخالفت دارد، ولی پیروی حق تا هر پایه که دشوار آید، لازم و واجب است» «الحق احق ان یتبع».[□]

آری، نتایج آثار علامه به خوبی زیر بنای اعتقاد اهل سنت به صحت متون اسلامی را زیر سؤال برده و آنان را به تأمل و تدبر در این زمینه واداشت. دکتر سید مرتضی رضوی درباره‌ی تأثیر کتاب عبدالله بن سباء می‌نویسد: «وقتی در قاهره کتاب عبدالله بن سباء را به استاد ابوالفضل ابراهیم، رئیس انجمن احیای موارث اسلامی در مجلس اعلای شئون اسلامی قاهره، دادم وی گفت: «من در این کتاب که تألیف استاد مرتضی

□- رک: نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه عطاء الله سردارنیا، ص ۵ و ۱۰.

□- علامه عسکری، ترجمه عبدالله بن سباء، ۱/۱۴.

□- همان، ۱/۱۲.

عسکری است، بهره‌های فراوانی برده‌ام. هنگامی که به مآخذ طبری که آن را برای دارالمعارف مصر تحقیق می‌کردم، مراجعه نمودم، در پاره‌ای از احادیث توقف می‌کردم و به درستی نمی‌توانستم درباره‌ی آنها داوری کنم تا اینکه چاپ اول این کتاب به دستم رسید و بسیاری از مشکلاتم را حل کرد. قصد دارم به وسیله تو هدیه‌ای برای استاد عسکری بفرستم».[□]

آیا به راستی بطلان عقایدی که بیش از چهارده قرن در میان مسلمانان رواج داشته و یا معرفی صحابیان ساختگی و نیز پرده برداشتن از روایات ساختگی و جعلی سیف بن عمر که به متون اسلامی راه یافته بود و همچنین بررسی موشکافانه روایات عایشه و ... همه و همه، ارزش والای آثار علامه را در معرفی صحیح اسلام نمایان نمی‌سازد.

خود علامه نیز با اشاره به رویکرد گسترده اهل سنت به آثارش درباره‌ی تأثیر این آثار بر جریان تفکر اسلامی و ایجاد نگرش جدید به مباحث اسلامی می‌گوید: «کتاب‌هایی که نام بردید- «عبدالله بن سبأ و اساطیر اخری»، «احادیث ام المؤمنین عایشه»، و «خمسون مائة صحابی مختلف»- بارها در قاهره و بیروت با اجازه و بی اجازگی من چاپ شده‌اند و علما و اساتید اهل سنت بر آنها مقدمه یا نقد نوشته‌اند و به زبان‌های مختلف هم ترجمه شده‌اند و تصور می‌کنم و به خواست خدا تأثیری بر جریان تفکر اسلامی داشته‌اند».[□]

اینک تنها با اشاره به یک نمونه از اعترافات اندیشمندان اهل سنت یعنی اعتراف و اذعان سعید ایوب که رهیافت به روشنایی و حقیقت را مرهون مطالعه آثار علامه می‌داند و به واسطه‌ی آثار علامه به آیین تشیع گرایش پیدا نمود، این بخش را به پایان می‌بریم.

«سرور من! من عمری را در پی کسب حقیقت و شناخت برخی از ریزه‌کاری‌ها و دقایق اموری بودم تا در پرتو آن بتوانم مردم را به راه خدا کشانیده و در این مسیر، عمر گرانمایه را در مطالعه کتابهای تاریخ به باد دادم تا شاید مختصات آنهایی که چراغ هدایت را پیشاروی مردمان می‌دارند، بشناسم. ولی با کمال تأسف در بیشتر آنها چیزی را که مایه‌ی اطمینان خاطر و پسند عقل و آرامش بخش دل باشد، نیافتم.

اما بر عکس خود را در برابر جرایم متعددی یافتم که به کمتر از شصت سال بعد از وفات پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به وقوع پیوسته است! من در برابر این همه جرایم خود را حیرت زده در برابر نصوصی یافتم که دست تعدی و تجاوز حذف و اضافه، تغییر و تبدیل چهره‌ی واقعی آنها را مسخ کرده است. و بالاخره در این سیر و گذار و پرس و جوهایم به کتابهای شما و سرآمد همه‌ی آنها کتاب «معالم المدرستین» و «عبدالله بن سبأ» و «احادیث ام المؤمنین عایشه» و غیره دست یافتیم. کتاب‌هایی که پیشاروی خواهان حق و حقیقت، مطالب را می‌شکافد تا راه رسیدن به آن برایش آسان و میسر گردد. اینجا بود که کتابهای شما، حقایقی را که در کوره راههای دراز و پردرد سر مباحث در پی آن بودم، برایم آشکار و

□- رضوی، سید مرتضی، گفت و شنود با مردان اندیشه در قاهره، ص ۲۲-۲۹.

□- مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.

روشن گردانید و لطف خداوندی در این مورد بر من بسیار عظیم و بزرگ است. من خود را در دایره‌های یافتن که جز آب صاف و پاک، چیز دیگری در آن وجود نداشت...»[□].

بستر سازی وحدت مسلمین

مطالعه و تحقیق در تاریخ صدر اسلام و علوم حدیث و تلاش هم زمان در جهت تقریب مذاهب و زدودن اختلافات، امری دشوار است که از عهده‌ی کمتر کسی برمی‌آید.

در واقع، مروری بر آثار نوشتاری در طول تاریخ اسلام، بیان گر این حقیقت است که آثار موجود در این زمینه بیش از آنکه سبب وحدت مسلمانان گردد، به تشدید اختلافات و جدایی مسلمین از یکدیگر دامن زده است. در این میان، پرداختن علامه به تاریخ صدر اسلام و علوم حدیث و نیز دیدگاه‌های ائتلافی و اتحادگرایانه ایشان که بر احترام بر سایر مذاهب اسلامی و پرهیز از فرقه‌گرایی و ناسزاگویی به سایر گروهها تأکید داشت، از آن فقید مصلحی بیدار و آشنای به زمان و شخصیتی منحصر به فرد پدید آورد.

علامه به خوبی نقش وحدت را در عزت اسلام و مسلمین دریافته و تنها راه نجات را در همگرایی و تقریب مسلمانان می‌دانست تا جایی که می‌گفت: «به دلیل آنکه تنها راه نجات مسلمانان را آگاهی، همیاری و کنار گذاشتن درگیری مذهبی و گسترش وحدت اسلامی می‌دانستم، در همان زمان- ماجرای حمله به مدرسه‌ی فیضیه قم- به حج رفتم و با خود شعار وحدت و کلمه مسلمانان را حمل می‌کردم...»[□].

تلاش‌های علامه در راه ایجاد وحدت مسلمین ستودنی است و عضویت علامه در مجمع تقریب مذاهب اسلامی، درک عمیق علامه از اهمیت این موضوع اساسی را مبرهن می‌سازد.

جالب است که ایشان یکی از عوامل پرداختن به مبحث سیره‌نویسی را ایجاد اتحاد و تقریب میان شیعه و سنی بر شمرده، می‌گوید: «در سامرا، شیعه و سنی در کنار هم زندگی می‌کردند و با هم رفت و آمد داشتند؛ مثلاً در اعیاد به دیدن علمای یکدیگر می‌رفتیم و تبریک عید می‌گفتیم. وقتی همه در صحن جمع بودیم و استهلال می‌کردیم، ولی ماه را هم نمی‌دیدیم، اما قاضی آنها طبق فقهشان اعلام عید می‌کرد و طبل می‌زدند؛ یعنی عید، ثابت شده است و آن وقت ما باید در خانه می‌ماندیم و جدم (مرحوم خاتمه‌المحدثین) هم برای تبریک نمی‌نشست و این موجب ناراحتی می‌شد. یک مشکلاتی هم در عزاداری‌ها بین ما پیش می‌آمد. اینها سبب شد که من به فکر بیفتم که یک سیره‌های بنویسم که بین ما و آنها تقریبی ایجاد کند؛ سیره- ای که سنی و شیعه را یکجا جمع کند...»[□].

بی شک رشد و پرورش علامه در محیطی متشکل از شیعیان و اهل تسنن، ضرورت پیگیری مبحث اتحاد را بیشتر برای ایشان نمایان می‌ساخت.

□- علامه عسکری، ولایت علی (ع) در قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۲۳-۲۴.

□- اینترنت، خیرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، کد خبر ۱۴۹۶۶-۰۸۶۰۶

□- مجله علوم حدیث، شماره ۲۰ تابستان ۱۳۸۰، ص ۸۴.

به هر ترتیب، علامه بسیار هنرمندانه توانست علی رغم ترسیم چارچوب اندیشه‌ی شیعه، فریاد اتحاد را در جامعه‌ی اسلامی سر دهد تا جایی که ایشان با خلق دهها اثر کاهنده اختلافات و نزاع در میان فرق اسلامی گردید.

آنچه آثار علامه را در مسیر برقراری وحدت مسلمین قرار می‌داد، ویژگی‌های آثار علامه از قبیل عدم تعصب بیجا، استفاده فراوان از منابع اهل سنت و نیز شیوه‌ی بحث است.[□]

به طور کامل نوع نگاه و نگرش علامه به اختلافات موجود را نیز می‌توان از عوامل بسیار مهم در موفقیت علامه بر شمرد؛ مثلاً ایشان با پایه‌گذاری ادبیاتی با عنوان «مکتب اهل بیت و مکتب خلفا» و نگاه این چنینی به این مباحث، سعی در خاموش کردن آتش تعصبات بیجا و محدود کردن دامنه‌ی اختلافات داشت؛ برای نمونه، ایشان در جایی می‌گفت: «من از به کارگیری واژه‌های شیعه و سنی طفره می‌روم؛ زیرا مشکلات و ناهنجاریهایی را به دنبال دارد. من معتقد به شیوه ائمه معصومین (علیهم السلام) و سیره‌ی خلفا هستم...؛ بنابراین، اختلاف ما و دیگران اختلاف فقهی است».[□]

یکی از ویژگی‌های مهم علامه در این زمینه، توجه ایشان به عوامل ایجاد وحدت در بین مسلمانان می‌باشد که این مسائل را در تألیف آثارش به خوبی رعایت می‌نمود. مثلاً ایشان پرداختن به سیره اهل بیت (علیهم السلام) را که بی تردید به عنوان یکی از مهمترین عوامل وحدت مسلمانان جهان می‌باشد، سرلوحه کار خود قرار داد و در این باره می‌گفت: «کار دیگر طرح روشن و مستند نقش ائمه (علیهم السلام) در احیای دین بود؛ چون شخصاً معتقد اهل سنت منکر مقامات علمی، معرفتی، و معنوی اهل بیت (علیهم السلام) نیستند و این نقطه‌ی خوبی برای هر گفتگو و پیوندی است بر خلاف بحث‌های تاریخی که در آن مناقشه زیاد می‌شود».[□]

دعوت به بحث و گفتگو و ایجاد فضای تفاهم و دوستی در جهت بیان اندیشه‌ها و افکار، از دیگر عوامل ایجاد وحدت است که از نگاه تیزبین علامه پنهان نماند.

ایشان با دعوت همگان به بحث و گفتگوی مسالمت‌آمیز به روش امام صادق □ اشاره نموده و می‌گفت: امام صادق با ابوحنیفه می‌نشست و در زمینه‌ی عقاید و احکام با او مناظره می‌کرد...[□].
بی تردید، دستیابی و شناخت سیره‌ی امام صادق □ در این زمینه که علامه بر آن تأکید می‌ورزید، یکی از مهمترین عواملی است که وحدت مسلمین را در بر خواهد داشت. مگر نه این است که اکثر

□- در بخش دوم همین مقاله به بررسی این ویژگیها خواهیم پرداخت.

□- روزنامه خراسان، دوشنبه دوم مهر ۱۳۸۶.

□- مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.

□- روزنامه خراسان، دوشنبه دوم مهر ۱۳۸۶.

شاگردان امام صادق □ را گروه‌هایی مخالف عقیده‌ی امام تشکیل می‌دادند؟ آیا امام صادق □ جز در فضای مسالمت آمیز و با رعایت احترام به آنان به بحث و گفتگو نمی‌نشست؟

نگاه ویژه علامه به مسئله از مقدمه‌ی ایشان در کتاب «در راه وحدت» به خوبی قابل درک است؛ آنجایی که می‌نویسند: «وحدت مسلمین نیز با وجود اختلافات عقیدتی موجود وقتی امکانپذیر خواهد بود که نخست خلاف بین خود را با ملایمت و نرمی بررسی کنند و آنگاه آنچه را که حق است، پیروی نمایند تا مصداق آیه کریمه $\text{الذین یستمعون القولَ فیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...}$ K گردند. کتاب حاضر و نظایر آن در این رهگذر و برای همین مقصود تألیف و نشر گردیده (قل هذه سبیلی)».[□]

البته قابل ذکر است که ایشان بازگو نکردن حقایق و عدم تحقیق در مسائل مورد اختلاف را جایز ندانسته، بلکه تأکید داشتند که با فاصله گرفتن از تحقیقات، راه صحیح و مستقیم اسلام شناخته نشده و این مسئله را ستمی نابخشودنی بر علم و دانش بر می‌شمردند.

برای نمونه ایشان در بر شماری مشکلات پیش رویش در تألیف کتاب «احادیث ام المؤمنین عایشه» می‌نویسد: «اشکال دیگری خود نمایی می‌کند و آن تأثیری است که نشر این قبیل مطالب روی هماهنگی و یگانگی مسلمانان می‌گذارد و این سؤال را پیش می‌آورد که اکنون که در نتیجه‌ی مساعی مجاهدین و مصلحین اسلام و کوشش‌های پیگیر و مداوم آنها خداوند تا حدی آمال و آرزوهای طوایف مختلف مسلمانان را برآورده و آنها را به یکدیگر نزدیک ساخته، اسباب برادری و همبستگی ایشان را فراهم کرده است، آیا رواست که پیرامون گذشته‌های بسیار دور قلم فرسایی شود و مطالبی منتشر شود که نه تنها رد و انتقاد شدید را در پی خواهد داشت، بلکه احساسات را برانگیخته، انزجار و نفرت به بار خواهد آورد؟ اما در مقابل، چنان پرسشی، این مسئله نیز مطرح می‌شود که به سادگی نمی‌توان از آن چشم پوشید. اگر به عنوان عقیم ماندن کوشش مصلحین خیراندیش، چنان بحث و تحقیقی مورد پسند واقع نشود، در آن صورت در تحقیق‌های علمی بر روی همگان بسته خواهد ماند و این ستمی است نابخشودنی که بر دانش و معرفت رفته است؛ زیرا که در نتیجه حقایق اسلام همچون قرون و اعصار گذشته، پشت پرده‌ی جمود فکری و تعصب خشک و بیجا باقی می‌ماند و اختلاف و دو دستگی بین تیره‌های مختلف اسلامی بیشتر خودنمایی خواهد کرد و این مسلماً چیزی نیست که مصلحین و شیفتگان همبستگی اسلامی، آن را تأیید و تصدیق نمایند.

بدین سبب ما در حالی که با تمام قلب توفیق برادران مسلمان خود را در دور افکندن اختلاف و برکندن اساس تفرقه و نفاق در پرتو پاسخ به ندای مصلحین خیر اندیش اسلام از خداوند خواستاریم، نسبت به مقام علم و معرفت احترامی خاص قائلیم و حساب آن را از حساب‌های دیگر مطالب جدا می‌دانیم؛ زیرا آنها که برای اتحاد و همبستگی مسلمانان کوشش‌های پیگیری را بنیان نهادند، ندا به

□- علامه عسکری، در راه وحدت، ترجمه و نگارش سردارنیا.

همبستگی اسلامی پیرامون پرچم مقدس اسلام می‌دهند، در حالی که اسلام خود یک انگیزه‌ی سیاسی بین‌المللی نیست، بلکه ایمان و عقیده است به یک سلسله واقعیات که صرفاً زائیده‌ی بحث و انتقاد کاملاً علمی است و با پنهان داشتن حقایق تحت این قبیل بهانه‌ها و عناوینی، چنان ایمان و عقیده‌ی ثابت و واحدی به وجود نخواهد آمد و راه صحیح و مستقیم اسلام از چاه ضلالت و گمراهی باز شناخته نخواهد شد... با اطمینان کامل می‌توان گفت: کوشش برای همبستگی اسلامی و پایمردی در راه بازگرداندن اسلام به جامعه‌ی مسلمین، با بحث و تحقیق در تاریخ آن و بررسی دقیق احادیث پیغمبرش منافاتی نداشته، بلکه اساس و پایه آن بوده، هر یک از آنها متمم دیگری است؛ چه برگرداندن اسلام به جامعه‌ی مسلمانان بدون هماهنگ ساختن مسلمین و درک مفاهیم آیات قرآن و گفتار پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و تاریخ اسلام ناشدنی است».[□]

پرداختن علامه به این موضوعات و در عین حال سر دادن شعار اتحاد و همگرایی مسلمانان و تقریب مذاهب به یکدیگر یکی از ویژگی‌های بارز علامه است که ایشان را به شخصیتی کم نظیر در جهان اسلام مبدل ساخته است.

در حقیقت ایشان اثبات نمود که می‌توان به بحث و تألیف آثار در موضوعات مورد اختلاف پرداخت و در عین حال، نتایجی مطلوب در نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر به دست آورد.

۳- دفع اتهام و بدبینی از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و معرفی عقاید شیعه

دفاع از مکتب اهل بیت (ع) و نیز رفع اتهامات دروغین و بی اساس، لحظهای علامه عسکری را آرام نگذاشت و سراسر عمر ایشان را به مبارزه در راه تبیین اعتقادات و اندیشه‌های مکتب اهل بیت (ع) و زدودن چهره‌ی بدبینی از این مکتب انسانساز مبدل ساخت.

به طور کلی، مشکلات فراروی علامه در این راستا را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود:

الف) ضعف تبلیغ و تبیین عقاید شیعه در جوامع اهل تسنن

یکی از دغدغه‌های اساسی علامه عدم شناخت صحیح مکتب اهل بیت (ع) در جوامع اهل سنت بود که سالیان متمادی سوءظن و بدبینی نسبت به عقاید شیعیان را در برداشته است. در واقع، از سویی حقیقت ناب و روح بخش مکتب اهل بیت (ع) و از سوی دیگر، عدم معرفی صحیح این مکتب والا در میان پیروان مکتب خلفا علامه را به سختی می‌آزرد و وظیفه‌ی خطیر تبیین عقاید شیعه بر دوش علامه سنگینی می‌نمود. اشکالات موجود در سیستم تبلیغ نیز ذهن علامه را به سختی به خود مشغول داشت تا جایی که ایشان لحظه‌ای سکوت و بی‌تفاوتی را جایز نمی‌دانست. او تشنگان معارف اهل بیت (ع) را مشاهده

□- عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه سردارنیا، نجمی و هریسی، جاودان، ۱/ ۳۴-۳۶.

می‌نمود و دریافته بود که در سایه‌ی تبیین و نشر افکار و اندیشه‌های مکتب اهل بیت (علیهم السلام) زمینه - ی هدایت انسان‌های بسیاری فراهم خواهد شد.

ایشان در جایی با اشاره به تأثیر آثارش در کشور مصر به وضعیت نگرانکننده‌ی تبلیغ دین اشاره نموده، می‌گوید: «وضع ما این گونه است: نه خودمان وسیله‌های داریم و نه دولت به ما کمک می‌کند. همین قدر که می‌توانیم کار کنیم، اگر به ما کمک کنند کارهای بیشتری انجام می‌دهیم. من علاقه‌مند هستم که یک سفر به تونس و آفریقا بروم، مردم آنجا علوی هستند، محب اهل بیت (ع) هستند متنها ما به آنها نرسیده‌ایم. یک نفر مبلغ هم به آنجا نفرستاده‌ایم. اگر من به آنجا بروم، تصور می‌کنم بتوانم کاری انجام دهم... ما مسلمانانی در آفریقا داریم که اصلاً از اولاد ائمه اطهار (ع) هستند اما اسم شیعه را نمی‌دانند. یکی از آنها یک وقت با من برخورد کرد و شیعه شد و رفت و آنجا تشیع را منتشر کرد. بله، ما به نشر عقاید شیعه توجه نمی‌کنیم...»[□]

تألیف و نشر عقاید شیعه[□] و سفرهای متعدد علامه به نقاط مختلف جهان اسلام و گفتگو و مناظره با شخصیت‌های مختلف، تنها گوشه‌ای از عملکرد علامه در تبلیغ و تبیین دین در مناطق اهل تسنن به شمار می‌رود. البته میدان مبارزه علامه به این امور خلاصه نمی‌شد، بلکه ایشان معتقد بود: «ما باید از همه‌ی امکانات از روشنایی خورشید گرفته تا نور ماه استفاده کنیم تا اعتقادات شیعه را تبلیغ نماییم، اما در این زمینه کوتاه آمده‌ایم»[□].

سفارش علامه در باره‌ی به تصویر کشیدن واقعی غدير[□] برای نشان دادن عظمت و واقعیت این رویداد به خوبی از اندیشه علامه در استفاده از ابزارهای هنری در راستای معرفی و تبلیغ مکتب اهل بیت (علیهم السلام) حکایت می‌نماید.

به هر ترتیب ایشان در میدان‌های مختلف تبیین و تبلیغ دین گام نهاد و حاصل آن، معرفی و نشر علوم اهل بیت (ع) و گرایش گروه‌های بسیاری از مکتب خلفا به تشیع بود که در ادامه به آن اشاره خواهیم داشت.

ب) جلوگیری از وارد شدن افکار و اندیشه‌های مکتب اهل بیت در جوامع اهل سنت

اشاره نمودیم که کم و کاستی‌های موجود در تبلیغ یکی از دغدغه‌های علامه عسکری بود، اما آنچه بیش از بیش به این مسئله دامن می‌زد، جلوگیری از ورود افکار و اندیشه‌های مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در جوامع اهل سنت است.

[□] - مجله اخبار شیعیان، شماره ۱۰.

[□] - گفتگو با علامه عسکری، نشریه راه مردم، ۷/۴/۷۹.

[□] - برای نمونه می‌توان به تأسیس "مجمع علمی اسلامی" برای نشر آثار توسط علامه و نیز آزاد گذاردن نشر و چاپ آثار علامه توسط خودشان اشاره داشت.

[□] - نشریه اخبار شیعیان، شماره ۱۰، ص ۶.

در واقع، آنچه امروزه بیش از هر عصر دیگری قابل تأمل و بررسی است، علل عدم اجازهی ورود افکار و اندیشه‌های تشیع در جوامع اهل تسنن می‌باشد. کتابخانه‌های خالی از آثار تشیع و نهی از مطالعهی اندیشه‌های مکتب اهل بیت (ع) از جمله مسائلی است که سالیان متمادی دامنگیر جامعهی اهل سنت گردیده و اکثریت آنان را از اطلاع از واقعیت‌های شیعه باز داشته است.

در بر شماری دغدغه‌های علامه عسکری نیز می‌توان به این مسئله اشاره داشت تا جایی که ایشان با ابراز خوشحالی از تأسیس دانشکده‌ی اصول دین و پذیرش دانشجویان سراسر کشورهای اسلامی و بازگشت آنان به کشورشان به عنوان مبلغ واقعیت‌های شیعه می‌گفت: «... در کتابخانه‌های اهل سنت نگاه کنید، یک دانه کتاب اهل تشیع وجود ندارد و این را ما باید ببریم به کتابخانه‌های این‌ها».[□]

مشاهده این وضعیت و نیز درخواست‌های مکرر پیروان مکتب خلفا از علامه عسکری برای ارسال آثار و یا تشکیل مراکزی برای دستیابی آنان به علوم اهل بیت (علیهم السلام) در مناطق اهل تسنن مسؤولیت ایشان را سنگینتر می‌نمود.

خوشبختانه ویژگی‌های ارزشمند آثار علامه و نیز فعالیت‌های ایشان در راه نشر و راهیابی آثار پیرامون مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به جوامع اهل تسنن، سد موجود را شکسته و نگاهها را متوجه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نمود.

خود علامه در این زمینه می‌گوید: «سالیانی بود که یک نهضت تحقیق و تصحیح و انتشار منابع حدیث و سیره و تفسیر روایی در جهان اهل سنت شروع شده بود. جهان اسلام چشم به قاهره داشت که تازه‌ترین آثار اسلامی و منابع و معارف و تعالیم اسلام را به دست آورد. اما همه این کتاب‌ها محصول مکتب خلفا بودند. اینجا بود که زحمت من - عبدالله - نتیجه داد و نگاهها را متوجه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و حوزه‌ی شیعه کرد».[□]

از نکات قابل توجه در این زمینه نشر آثار علامه توسط گروه‌های مختلفی از ناشران در جهت تبیین و تبلیغ افکار و عقاید شیعه می‌باشد؛ چرا که آنان به اهمیت این آثار به خوبی واقف بودند.

برای نمونه، دکتر جواد مغنیه یکی از علمای جهان تشیع درباره‌ی اهمیت نشر کتاب «عبدالله بن سباء» می‌نویسد: «لازم است این کتاب به عالیترین اسلوب و با بهترین کاغذ تجدید طبع گردد و در تمام شهرهای اسلامی به نصف قیمت تمام شده به فروش رسد تا عموم مسلمانان آن را خریداری کرده، از مطالب عالیش استفاده برند».

□- مصاحبه با آقای کاظمی، شهریور ۸۶

□- مصاحبه با علامه عسکری، مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.

سزاوار است دانشمندان و مراجع عالیقدر در نجف اشرف بذل توجه فرمایند و مبلغی از حقوق شرعی را برای منظور فوق اختصاص دهند یا نیکوکاران را برای اقدام به این عمل خدا پسندانه راهنمایی نمایند.

من پیشنهاد می‌کنم، دستور مؤکد و امر لازم صادر فرمایند تا این کتاب به چند زبان مختلف ترجمه شود و به بهای نازل در دسترس جهانیان قرار گیرد. البته با چنین اقدامی عالیترین خدمت را به دین مبین انجام داده‌اند؛ به طوری که سایر خدمات در مقابل آن ناچیز خواهد بود.[□]

به هر ترتیب آثار علامه توانست تا حد زیادی جو موجود را شکسته و به مناطق اهل تسنن راه یابد تا جایی که در بعضی مناطق، مطالعه‌ی آثار علامه ممنوع گردیده و خطرات زیادی از جانب سردمداران اهل سنت نسبت به نشر آثار علامه در مناطق اهل تسنن احساس شد.

برای نمونه در مصر قانونی تصویب شد که هر کس کتاب‌های علامه عسکری را بخواند به سه سال زندان محکوم خواهد شد.[□] و یا اینکه علمای بزرگ وهابی با ارسال نامه‌های به بن باز- رئیس مفتیان عربستان سعودی- خطر نفوذ تشیع در عربستان را گوشزد کرده بودند که یکی از عوامل آن را اینگونه اشاره نمودند: «که در حال حاضر کتاب‌های علامه عسکری در منطقهای از قیسم، طهران و... دارد مثل نقل و نبات بین خانه‌ها تقسیم می‌شود. ایشان تأکید کردند که کتاب‌های امام خمینی (رحمة الله) و کاشف الغطاء و علامه عسکری در بین مردم وجود دارد».[□]

ج) شایعه پراکنی و نشر کتب متعدد علیه شیعه

شایعه پراکنی و اتهامات دروغین از جمله عواملی است که در طول تاریخ دامنگیر اعتقادات گروه‌های مختلف جامعه بشری گردیده و حقیقت وجودی آنان را پوشانده است.

مکتب اهل بیت (ع) نیز سالیان متمادی است که آماج زشتترین و سختترین اتهامات و افتراهای ناجوانمردانه قرار گرفته تا جایی که عقاید و اندیشه‌های آنان به گونهای غیر واقعی در اذهان پیروان مکتب خلفا نقش بسته است.

بی تردید، این مسئله محصول عوامل مختلفی از جمله عدم تبلیغ و تبیین عقاید شیعه در مناطق اهل تسنن، جلوگیری از ورود افکار و اندیشه‌های تشیع، تعصبات کور و بیجا، عدم برداشت صحیح از عقاید شیعه و نشر کتب متعدد علیه شیعه می‌باشد.

توجه به آثار منتشر شده علیه تشیع، به ویژه در سال‌های اخیر، حقیقت امر را نمایان خواهد ساخت تا آنجا که برخی از مخالفان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) از هیچ تهمت و سخن ناروایی نسبت به شیعیان

□- علامه عسکری، عبدالله بن سبا، ترجمه آقایان: زنجانی، نجمی، هریسی، ۱۹/۱.

□- مصاحبه با علامه عسکری، نشریه اخبار شیعیان، شماره دهم.

□- مصاحبه با آقای کاظمی، شهریور ۸۶.

جهان دریغ نورزیده‌اند. دکتر حامد حنفی یکی از علمای اهل تسنن در طی نامهای برای علامه عسکری به جهت تحسین کتاب «عبدالله بن سباء» درباره‌ی اتهامات ناروا علیه تشیع در طول تاریخ می‌نویسد: «تاریخ اسلام سیزدهمین قرن زندگی خود را به پایان رسانید. گروهی از دانشمندان ما در طول این سیزده قرن هر چه توانستند علیه شیعه سخن گفتند و حقایق را با هوس خویش درآمیختند. این روش ناپسند شکاف عمیقی بین فرق اسلامی ایجاد کرد و بدین جهت گوهر افکار بزرگان تشیع ناچیز شمرده شد و از همین رهگذر جهان علم بسی خسارت دید.

علم از افکار دانشمندان شیعه بیبهره ماند؛ زیرا دشمنان دامن بی‌آلایش و پاک شیعیان را ناپاک می‌نمودند و ایشان را گروهی خرافی نشان دادند. آری، ما می‌توانستیم از چشمه‌ی خوشگوار علم شیعه جریمه‌ها بنویسیم و از سرمایه این مذهب شریف بهره‌ها ببریم، ولی افسوس که دانشمندان گذشته‌ی ما تعصب را کنار نگذاشتند و خرد را بر هوس مقدم نداشتند! ای کاش سر به فرمان عقل می‌نهادند و بازیچه احساسات نمی‌شدند...»[□]

تحمل این وضعیت برای علامه سخت و طاقت فرسا بود و او نتوانست این شرایط را تاب آورد و به همین دلیل وارد جبهه‌ی مبارزه با این اتهامات گردید. تنها آشنایی با علل تألیف آثار مختلف توسط علامه در پاسخگویی به شبهات موجود و اتهامات وارده پیرامون عقاید مکتب اهل بیت (علیهم السلام) کافی است؛ برای نمونه، ایشان کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» را در پاسخ به اتهام اعتقاد تشیع به تحریف قرآن و در رد بر کتاب «الشیعه و القرآن» که شیعه را به این عقیده متهم نموده بود، بر می‌شمرد.[□]

توجه علامه به دفاع از مکتب اهل بیت (ع) و روشنگری عقاید شیعه تا حدی بود که ایشان با اشاره به تألیف کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» می‌نویسد: «این تأثیر زیادی در دنیا داشت. البته بعد از نوشتن آن پشیمان شدم و احساس کردم با نوشتن «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» دفاعی از اهل بیت (علیهم السلام) نکردم، اما بعداً که این کتاب منتشر شد و در مصر و سایر جاها بسیار اثر کرد، به اهمیت و اثر آن پی بردم».[□]

ایشان در جایی دیگر درباره‌ی احساس مسؤولیت خویش در برابر مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می‌گوید: «در هر کتاب از مجموعه‌ی پر گستره کتاب و سنت... یک حرف وهابی را جواب داده‌ام، پس این کار همه ناشی از احساس مسؤولیت بوده و دفاع از تشیع است. به ندرت دفاع از اسلام است، هم‌هاش دفاع از تشیع است».[□]

□ - علامه عسکری، عبدالله بن سباء، ترجمه: زنجانی، نجمی، هریسی، ۱۰/۱.

□ - مصاحبه با علامه عسکری، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.

□ - مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۱، ص ۶۳.

□ - همان.

آری هر کجا که حقیقتی از حقایق مکتب اهل بیت (علیهم السلام) تحریف می‌گردید و از حقیقت اصلیش منحرف می‌گشت، میدان مبارزه‌ی علامه بود تا آنجا که با خلق آثار ارزشمندش اتهامات بسیاری را از دامن مکتب اهل بیت (علیهم السلام) زدود و شخصیت‌های بزرگی را به درک نادرستشان از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) رهنمون ساخت.

نکته‌ی جالب توجه آن است که علامه توانست بعضی اتهامات موجود علیه شیعه را به گونه‌ای پاسخ دهند که همان عوامل ایجاد اتهام، سبب گرایش به تشیع گردد؛ برای نمونه، میتوان به کتاب «عبدالله بن سباء» اشاره داشت که ایشان با تألیف آن و اثبات موهوم بودن این شخصیت، نه تنها به علل شکل‌گیری تشیع پاسخ داد، بلکه سبب شیعه شدن محمود ابوریه، متفکر بزرگ اهل تسنن، و دیگران گردید. در حقیقت گرایش گروه‌های بسیاری از جامعه‌ی اهل تسنن و به ویژه برخی از متفکران آنان و اعتراف آنان به عدم درک صحیح از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پس از مطالعه‌ی آثار علامه به خوبی از موفقیت علامه در رسیدن به اهدافش حکایت مینماید که ما به علت عدم ارائه بحث تنها به چند نمونه از این موارد اشاره می‌نماییم.

در نامه‌ای از یک مؤسسه فرهنگی به علامه عسکری آمده است: «... اگر برای ما این برتری باشد که در راه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) میکوشیم، چنان که حضرت‌عالی میفرماید، پس برای شخصیتی چون شما برتری روشن کردن راه درست در پیش روی ما و میلیون‌ها انسانی که به راه راست هدایت یافته‌اند، میباشد و این به خاطر کتاب‌های ارزشمند شماست که از چشمان خواننده راهی به عقل او باز کند که هر مخالفی را و میدارد تا در دریافتی‌های خود تجدید نظر کند و به اسلام واقعی توجه نماید».[□]

در نامه‌ای از کشور مغرب نیز آمده است: «من در گذشته از جمله کسانی بودم که با حساسیت و توهم و تنفر و انزجار از کلمه‌ی شیعه بار آمده، از ایشان گریزان بودم و همه افکارم را این نغمه‌ی شوم طوطی صفتانه پر کرده بود که شیعه فرقه‌ای است گمراه، قرآن را تحریف کرده، نامداران و برجستگان صحابی پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله وسلم) را به تزویر و بهتان متهم میکنند و اراجیف و چرندهایی را به هم می‌بافند که به خاطر هیچ آفریده‌های نمیرسد و با هیچ حسابی درست در نمی‌آید... تا اینکه خدای تعالی خواست به طور تصادفی به کتاب شگفتی آفرین شما - «معالم المدرستین» - جلد اول دست یابم... اینک از اعماق وجودم فریاد سپاس بر می‌آورم که خدایت زنده بدارد ای بزرگ مرد! سوگند به خدای علی عظیم که من اکنون عاشق و دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان ایشانم. نام و یاد آنان را فریاد کرده و به اهدافشان ارج مینهم و از خداوند میخواهم که ما را در روز قیامت با آنان محشور گرداند...».[□]

□ - علامه عسکری، ولایت علی در قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، ص ۲۱.

□ - همان، ص ۱۵.

محمد المنتصر احمد النور در نامه ای می‌نویسد: «کمن یكون فی ظلمات بعضها فوق بعض ثم یأتیه النور فیخرجه من الظلمة الی النور و الهدایة، کذلک انا لما جاءنی و وصلنی کتابکم العظیم «معالم المدرستین» الذی لا یأتیه الباطل، فاستنقذنی من العملیة، و دلنی علی الهدایة، فجزاکم الله عنا کلّ خیر...».

استاد ربیعی در نامه خود به علامه عسکری نیز دربارهی وضعیت تشیع در مصر و تأثیر آثار علامه و دیگر شخصیت‌های بزرگ جهان تشیع مینویسد: کتاب «معالم المدرستین» و کتاب‌هایی که بر این سبک نوشته شده‌اند، تنها دارویی است که برای هر زمان و مکان بسیار سودمند است. علمای مصر هنگامی که تألیفات علامه عسکری، شرف الدین و محمد باقر صدر را میخوانند، از شوق میگیرند و میگویند: الحمد لله الذی انقذنا من الضلالة. وقتی برای نخستین بار این کتاب‌ها را برای آنها میخوانیم، اعتراف میکنند که عمر خود را در ناآگاهی سپری کرده‌اند... خلاصه اینکه مصر در این زمانه به نشر و پخش کتاب‌های شیعه نظیر کتاب‌های علامه عسکری - حفظه الله - و کتاب‌های شرف الدین و علامه امینی نیاز فراوان دارد... کتاب‌های.. «معالم المدرستین» و... را در اختیار دوستان قرار دادیم. آنها پس از مطالعه گفتند: ما خود را طوری میبایم که گویا تازه متولد شده‌ایم. متوجه چیزی شدیم که در گذشته گم کرده بودیم و حال آن را در مذهب اهل بیت (علیهم السلام) پیدا کرده‌ایم.[□]

شیخ معتصم سید احمد، متفکر و نویسنده سودانی که به آیین تشیع گراییده، نیز مینویسد: «پس از خواندن کتابهای «المراهات»، «معالم المدرستین» و چند کتاب دیگر به خاطر دلایل روشن و برهان‌های قوی این دو کتاب با ارزش که بر حق بودن مذهب اهل بیت (علیهم السلام) را ثابت میکرد، حق برای من روشن و باطل مفتضح گردید.[□]

چهارم: اقبال متفکران اهل سنت به مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

بیشک دل‌کنند از اعتقاداتی که انسان‌ها به آن خو کرده و با آن پرورش یافته‌اند، امری سخت و دشوار است که به راحتی به وقوع نمیپیوندد.

اما نتایج به دست آمده در آثار علامه به قدری مستدل و منطقی بود انسان‌های بسیاری را به پشت پا زدن به افکار و عقایدشان و ادار ساخت تا جایی که آنان آنچه را که اجدادشان قرن‌ها بر آن تأکید میورزید، کنار گذاردند.

از نکات قابل توجه در این زمینه، گرایش گروهی از متفکران اهل سنت از جمله محمود ابوریه، دکتر سعید ایوب، شیخ معتصم سید احمد و... به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است که آنان نیز در برابر حقیقت نمایان در آثار علامه تاب نیاورده، به ناچار به پذیرش حق گردن نهادند.

□ - نشریه ایران، مورخ ۷۸۶/۱۷.

□ - شیخ معتصم سید احمد، حقیقت گمشده، ترجمه سید محمد رضا محوی، ص ۳۴.

علامه عسکری درباره‌ی اقبال علما و اندیشمندان اهل سنت به مکتب اهل بیت (ع) به واسطه‌ی مطالعه آثارش میگوید: «بسیاری از علما و استادان دانشگاه‌های مصر و سودان و مغرب و الجزایر و دیگر کشورها با خواندن کتاب‌های این بنده‌ی ضعیف خدا شیعه شده‌اند و نامه‌ها به اینجانب نوشتند».[□]

ایشان در جای دیگر نیز درباره‌ی تأثیرگذاری کتاب «عبدالله بن سباء» در گرایش عده‌ی بسیاری از اهل تسنن به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) مینویسد: «تأثیرات این کتاب - «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» - باعث شد که مسؤولان الازهر قرار داد را نپذیرند و پس از این بود که فهمیدم «خمسون مائة صحابی المختلق» مهم بوده که العیاذ بالله مثالین که به ما بگویند چهارتا از ائمه‌تان وجود ندارد. داستان‌های دیگری هم در تأثیر این کتاب هست که اثر عجیبی در شیعه کردن خیلی از سنی‌ها داشته است. همچنین این کتاب در کشور فرانسه روی خیلی‌ها اثر کرد. رادیویی در لبنان از آن صحبت کرد و در اروپا هم از آن صحبت شد. البته در بین شیعه‌ها هیچ صدایی نداشت، ولی در بین مستشرقین و در جاهای دیگر تأثیر زیادی در شیعه کردن افراد داشت».[□]

کتاب «معالم المدرستین» نیز یکی دیگر از آثار ارزشمند علامه است که تأثیرات شگرفی در اقبال و گرایش علمای مکتب خلفا به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) داشت. علامه درباره‌ی تأثیرگذاری این کتاب مینویسد: «معالم المدرستین را باید خواند. نامه‌ها دارم از مصر و جاهای دیگر که معالم را خوانده‌اند و شیعه شده‌اند. این مطالب برای تبلیغ در جامع امروز لازم است».[□]

در نامه‌ای که آقای ربیعی از کشور مصر برای علامه ارسال نموده‌اند نیز به اهمیت آثار علامه اشاره شده و ایشان با اشاره به کتاب «معالم المدرستین» در بازتاب گسترده و ارزنده‌ی این اثر مینویسد: «جلد اول «معالم المدرستین» بیش از دویست تن را که همه استاد دانشگاه، پزشک و مهندس بودند، از گمراهی درآورده و هدایت نمود...».[□]

با مطالعه‌ی نامه‌ی ارسال شده به علامه عسکری توسط آقای محمد الحسن الجزایری و اعلان گرایش ایشان به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه‌ی مطالعه‌ی کتاب «معالم المدرستین» میتوان به ارزش والای این کتاب پی برد. وی می‌نویسد: «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. خداوند عزوجل توفیق داد من را به واسطه‌ی مطلع شدن از کتاب شما «معالم المدرستین» و تأثیر پذیرفتم از آن به سبب طرح عمیق و مناقشه‌ی موضوعات و باعث گردید تا به آنچه برایم مسلم بود، دوباره نظر بیندازم تا اینکه خداوند متعال من

□ - ولایت علی [] در قرآن کریم و سنت پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم»، ص ۱۳.

□ - مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۱.

□ - نشریه اندیشه صادق، شماره ۱۰.

□ - نشریه ایران، مورخ ۷۸/۶/۱۷.

را به دوستی اهل بیت (علیهم السلام) و پیروی از مکتب امامت بعد از اینکه تمام عمرم را پیرو مکتب خلفا بودم، هدایت نمود...»[□].

به طور کلی هر یک از آثار علامه به جهت ارزش و اهمیت والای آن، اذهان و اندیشه‌های بسیاری را درنوردید و حقیقت را پیش روی جستجوگران آن قرار داد، مثلاً کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» فقط در سودان خیلی‌ها را شیعه کرد.[□] و یا اینکه علامه درباره‌ی بازتاب آثارش در کشور مصر می‌نویسد: «در مصر مؤسسه‌های است به نام مؤسسة الامام الصادق □ آمدند اینجا و گفتند: اجازه چاپ کتاب‌هایتان را به ما بدهید... رفتند و آنها را منتشر کردند و کارشان هم تأثیر خوبی داشت و در مصر تشیع پیدا شد».[□]

ارسال نامه‌های متعدد از سایر مناطق جهان اسلام برای علامه به جهت قدردانی از ایشان به دلیل آشنا ساختن گروه‌های بسیاری از مکتب خلفا با واقعیت‌های مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و گرایش آنها به تشیع حکایتگر بازتاب گسترده و اقبال عده زیادی از پیروان مکتب خلفا به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است.

در واقع، یکی از راه‌های بیان احساسات عرض ارادت به علامه و اظهار گرایش به تشیع ارسال نامه‌های مختلف است که تنها تعدادی از این نامه‌ها در اوایل آثار علامه منتشر گردیده است.

تعدادی از این شخصیت‌ها که با ارسال نامه، از علامه به علت هدایت شدنشان به مکتب اهل

بیت (علیهم السلام) تقدیر به عمل آورده اند، عبارت‌اند از: سید ایوب، نویسنده و اندیشمند مصری؛

عمادالدین عبدالحمید علی، استاد اول لغت عربی در مصر؛ دکتر احمد حسن هلال از کشور مصر؛ محمد

المنتصر احمد النور از سودان؛ عماد عوض احمد پاشا از سودان؛ محمد الحسنی الجزایری؛ مجاهد احمد

نور؛ و نامه‌های دیگری که از مصر، مغرب و... برای ایشان ارسال گردیده است.

به هر ترتیب علامه با روشنگری و معرفی عقاید شیعه در آثار خود خدمت ارزنده‌ای به جستجوگران

حقیقت و تشنگان چشمه‌ی زلال معرفت اهل بیت (علیهم السلام) نمود. و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را

آن گونه که هست، برای دیگران به تصویر کشید و تأثیرات شگرفی را در اقبال و گرایش اهل تسنن و به -

ویژه متفکران و اندیشمندان آنان به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) داشت. تا جایی که آقای جاودان یکی از

شاگردان علامه... در این باره می‌نویسد: «علامه بیش از پنجاه کتاب نوشت. این کتاب‌ها تأثیر زیادی بر

مسلمانان گذاشت و بعضی از این کتاب‌ها در شیعه شدن بسیاری نقش مهمی را ایفا کرد. به طوری که در

□ - عسکری، مرتضی، دور الائمة فی احیاء السنة، ص ۵۱.

□ - نقل از سخنان احمد عابدی عسکری، اینترنت، خبرگزاری فارس، مهر ۸۶.

□ - نشریه اخبار شیعیان شماره ۱۰.

طول تاریخ هیچ کس مثل علامه عسکری نتوانست غیرشیعیه‌ها را شیعه کند. در این زمینه حتی از علامه امینی و سید شرف الدین هم ایشان موفقتر بوده است.»[□]

نکته‌ی قابل توجه دیگری که سزاوار است در پایان این بخش به آن اشاره نمایم، بحث مناظرات و گفتگوهای علامه با اهل تسنن است که همچون آثار ایشان تأثیر بسیاری در گرایش گروه‌های مختلف به تشیع داشت.

در حقیقت ایشان از جمله بزرگانی بود که مستقیماً باب گفتگو با تندروها خصوصاً وهابیون را گشود. ایشان هر سال لباس عربی پوشیده و در میان کاروان‌های مختلف مینشست و بحث و مناظره مینمود که اثرات زیادی نیز در برداشت.

آنچه در این میان جالب توجه است، تأکید بسیار ایشان به بحث مناظره و گفتگو بود تا جایی که ایشان میگفت: «... به یک نکته مهم اشاره نمایم و آن فن مناظره است. دو مطلب [مهم] است. یک مطلب مهم علم است و یک مطلب مناظره است ... حضرت صادق □ دو دسته شاگرد داشتند: یک دسته فقیه بودند مثل زراره و ابوبصیر و یک دسته را برای مناظره تربیت کرده بود مثل هشام و ... مناظره غیر از علم است و خودش یک علم است ...»[□]

به همین جهت بود که ایشان خیلی تأکید داشت که «بروید زبان عربی یاد بگیرید. بروید مناظره یاد بگیرید... ایشان به تمام کسانی که با ایشان در ارتباط بودند، تأکید مینمود که بروید به دنبال فراگیری فن مناظره»[□].

اینک با بیان دو نمونه از تأثیرگذاری گفتگوهای علامه این بخش را به پایان میبریم. وقتی به مکه رفته بودم، در کنار اتاق من یکی از علمای سنی کردستان اتاق داشت. پیش من میآمد و با هم صحبت میکردیم. از من درباره‌ی حدیثی سؤالاتی کرد. گفتم از قرآن میخواهی جوابت را بدهم یا از خودم؟ گفت از قرآن که بهتر است. گفتم قرآن میفرماید: λ **وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ...** K این افراد چه کسانی بودند؟ آیا این‌ها غیر از صحابه بودند؟ گفت: نه صحابه بودند. گفتم: پس این‌ها منافق بودند منتها پنهان می کردند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به ما راه را نشان داد. برای بعد از خودش فرموده است: «علیکم بکتاب الله و سنتی» سنت پیامبر (ص) دست کیست؟ بعد داستان غدیر و دیگر مسائل را برایش گفتم و شیعه شد...[□]

□ - اینترنت، سایت بازتاب.

□ - اینترنت، سایت تبیان، مورخ ۸۶/۶/۲۸

□ - مصاحبه با آقای کاظمی، شهریور ۸۶

□ - نشریه اخبار شیعیان، شماره دهم.

چند سال پیش در سمیناری در ترکیه علامه به سخنرانی پرداخت که همه چیز را به هم ریخت. ایشان در آن جلسه نظرات شیعه درباره‌ی قرآن را مطرح ساخت و میگفت. در پایان جلسه آقایی آمد و کتاب قطوری در دست داشت و آن را جلوی من به زمین پرت کرد. گفتم چرا پرت کردی؟ گفت: با گوش کردن سخنان شما دریافتم که این رساله دکتري من به هیچ دردی نمیخورد. چون این شخص در رساله‌اش اثبات کرده بود که شیعه معتقد به تحریف قرآن است و تازه با استدلال فهمیده بود که چقدر راه را اشتباه رفته است. □

نگاهی دیگر به آثار علامه

اگرچه آثار علامه تحسین گروه‌های زیادی از متفکران و بزرگان جهان اسلام به ویژه پیروان مکتب خلفا را دربرداشت، اما این آثار نیز مانند تمامی آثار موجود در طول تاریخ از نقد توسط گروه‌هایی از علمای اسلام در امان نماند.

خود علامه با اشاره به نقد آثارش میگوید: «... کتاب‌هایی که نام بردید- «عبدالله بن سباء» و اساطیر اخری»، «احادیث ام المؤمنین عایشه» و «خمسون مائة صحابی مختلق»- بارها در قاهره و بیروت با اجازه و بدون اجازه‌ی من به چاپ رسید و علما و اساتید اهل سنت بر آنها مقدمه یا نقد نوشتند. □

برای نمونه یکی از شخصیت‌های اهل تسنن که ایراداتی را به علامه وارد کرده است، آقای عماد شربینی در کتاب «السنة النبوية فی کتابات اعداء الاسلام» است. دو مقاله چاپ شده در مجله‌ی الازهر، نقد دکتر احسان عباس، استاد کرسی تاریخ در دانشگاه خارطوم و نقدهای دیگری که در بعضی از آثار علامه به آنها اشاره شده، از دیگر مواردی است که میتوان به آن اشاره نمود. علامه نیز به بعضی از این نقدها پاسخ گفته است که متأسفانه بیان نقدها و پاسخ‌های علامه در این مجال نمیگنجد و این امر فرصت دیگری را میطلبد.

البته ذکر این نکته لازم است که حتی نقد آثار علامه به نوعی حکایتگر اهمیت آثار علامه میباشد؛ زیرا این آثار توانسته است توجه متفکران جهان اسلام را به خود جلب نماید.

بی تردید، تمامی این نقدها و ایرادات مطرح شده- که نوعاً بی ارزش بوده و علامه به آنها پاسخ داده- در برابر تأثیرات مثبت آثار ایشان ناچیز بوده و به هیچ وجه از ارزش آثار گرانقدر علامه نمیگاهد.

□ - مصاحبه با دکتر وکیلی، شهریور ۸۶.

□ - مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.

بخش دوم: علل توجه اهل تسنن به آثار علامه عسکری

با مروری بر بازتاب آثار علمای شیعه در طول تاریخ این نتیجه به دست می‌دهد که متأسفانه ثبت و تبیین عقاید و تفکرات شیعه توسط اندیشمندان جهان تشیع با اقبال و توجه کمتری در جوامع اهل تسنن مواجه گردیده است.

اگرچه این مسئله محصول عوامل مختلفی[□] است، به هر ترتیب، شکستن سد موجود و غلبه بر فضای حاکم و جلب توجه و اعتماد پیروان مکتب خلفا امری است که کمتر کسی موفق به انجام آن شده است. بی شک، یکی از موفقترین عالمان دین در کسب این ویژگی علامه عسکری است.

ارسال نامه‌های متعدد از جانب شخصیت‌های بزرگ اهل تسنن مانند محمود ابوریه، دکتر حامد حنفی، سعید ایوب و ... و نیز چاپ‌های متعدد آثار ایشان در کشورهای مختلف و به چندین زبان رایج، تنها نشان دهنده‌ی گوشه‌های از رویکرد گسترده‌ی اهل سنت به آثار علامه است.

نقد آثار علامه و نوشتن مقدمه بر این آثار نیز بیانگر همین واقعیت است.

به راستی آثار علامه دارای چه ویژگی‌هایی است که توانست علی‌رغم فضای موجود و نیز اعتقاد شدید اهل سنت به صحت عقایدشان و همچنین بدبینی ایشان به اعتقادات شیعه، اذهان و اندیشه‌های آنان را به خود جلب نماید.

اینک به بررسی علل این توجه و رویکرد گسترده به آثار علامه می‌پردازیم:

الف) سهی صدر و احترام علمی

نخستین خصیصه‌های که در تمام آثار علامه مشاهده می‌شود، دوری از تعصب بیجا و یک‌جانبه‌اندیشی است تا جایی که به جرئت می‌توان گفت ایشان هیچگاه از مسیر انصاف در تحقیق و نقد علمی خارج نشده، بلکه همگان را نیز به این امر تشویق مینمود.

اگرچه ممکن است در نگاه نخست به موضوعات مورد توجه علامه در آثارش، مخاطبان در انتظار بحث‌های اختلاف برانگیز قرار بگیرند.[□]

اما خوشبختانه دوری از تعصب خام و وسعت نظر این قدرت را به ایشان داده تا نه تنها به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی دامن نزند، بلکه به عنوان منادیگر وحدت امت اسلام، شعار اتحاد را در جهان اسلام سر دهد. در واقع، تلاش‌ها و اقدامات علامه برای ایجاد وحدت اسلامی در عین پرداختن به مسائل و موضوعات مورد اختلاف، ایشان را به شخصیتی ممتاز و استثنایی مبدل ساخته است.

□ - ذکر این نکته لازم است که این مسئله به علت ضعف آثار سایر علمای شیعه نبوده و در ادامه‌ی مقاله به بررسی این عوامل اشاره خواهد شد.

□ - زیرا متأسفانه اکثر کسانی که در این زمینه دست به قلم شده‌اند، نتوانسته‌اند بر تعصبات کور خود غلبه نمایند.

همان گونه که قبلاً اشاره نمودم، علامه در مباحث میان مکتب اهل بیت (ع) و مکتب خلفا نگاه نو و تازه‌ای را بنیان نهاد که در آن، تعصبات کور و یکجانبه‌اندیشی هیچ راهی نداشت.

پایه‌گذاری ادبیاتی با عنوان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و مکتب خلفا و نگاه این چنینی به این مباحث اعتدال و عدم تعصب کور و ژرف اندیشی علامه را متبلور می‌سازد.

مطالعه آثار علامه این ویژگی مهم را به خوبی به تصویر میکشد تا جایی که برای نمونه ایشان در کتاب «احادیث ام المؤمنین عایشه» به جزآنچه برای پاسداری از حق و حقیقت در زمینه نواقض ضعف شخصیت عایشه مورد بحث قرار داده، فصلی را هم به عنوان مزایای وی باز کرده است.

علامه تعصبات بیجا را یکی از موانع و مشکلاتی میدانست که سد راه بسیاری از جویندگان حقایق و نویسندگان تاریخ اسلام بوده است.

در این باره مینویسد: «- یکی از عوامل- تعصب بیجا و ناپسند و در عین حال خنده‌آور است و خود این، سدی است که آدمی را در پس پرده‌ی ظلمت و جهل و بیخبری و نادانی می‌گذارد؛ قربانگاهی است که در سراسر تاریخ بشریت در هر کشور و هر زمان قربانیان فراوان برایش سراغ داریم».[□]

به همین دلیل بود که ایشان کوشید تا با کنار گذاردن تعصبات بیجا به صید حقایق پرداخته، واقعیت‌های موجود را دریابد.

آقای کاظمی درباره‌ی این ویژگی علامه و گرایش گروه‌هایی از اهل تسنن به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) می‌گوید: «در برخورد - چه نوشتار و چه گفتار- ایشان رعایت میکردند. هیچ وقت ما یک کلمه‌ی توهین‌آمیزی نشنیدیم ... این یکی از مواردی است که خیلی از دانشمندان اهل سنت گرایش پیدا کرده‌اند ... حتی مساوات را در کلماتی که به کار میبرد چه درباره حضرت علی (علیه السلام) و چه درباره خلفا رعایت میکرد و میگفت خیلی به همین علت برگشته‌اند».[□]

این ویژگی علامه تا حدی آشکار است که پیروان مکتب خلفا نیز به عدم تعصب بیجا و رعایت ادب و نیز اعتدال ایشان در بحث و نقد علمی اذعان نموده‌اند. برای نمونه، دکتر حامد حنفی استاد ادبیات عرب در دانشکده‌ی عالی زبان قاهره و یکی از دانشمندان اهل سنت، در این باره مینویسد: «... به علاوه وی توانسته است که احساسات و عواطف خود را کنار بگذارد. تنها راه عقل را در حکمی که میدهد دست - گشاده رها سازد. از تعصب کورکننده و گمراه سازنده اجتناب ورزد و در پیشبرد دستهای بر دستهی دیگر علاقه نشان ندهد حتی اگر یکی از آن دو دسته مذهب وی باشد».[□]

□ - عسکری، سید مرتضی، احادیث ام المؤمنین عایشه، ترجمه عطاء الله سردارنیا، ۳۷۱/۱.

□ - مصاحبه با آقای کاظمی، شهریور ۸۶.

□ - نامه دکتر حامد حنفی به علامه عسکری، ر.ک: به نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه عطاء الله سردارنیا، ۲۲/۱.

محمود ابوریه نیز که با مطالعه کتاب عبدالله بن سبأ به مکتب اهل بیت(ع) گرایید در این باره مینویسد: «مؤلف در کتاب و تحقیقاتش خود را از هر نوع غرضورزی و تعصب به دور نگاه داشته است و کوشیده است زوایای تاریخ، آن چنان که هست، بررسی کرده و روشن سازد... در این کتاب - «عبدالله بن سبأ» - احترام علم و مذهب هر دو به طور کامل رعایت شده است.»[□]

ب) استفاده فراوان از منابع اهل سنت

یکی از نکات قابل توجه در آثار علامه رویکرد و توجه ویژه ایشان به استفاده از منابع اهل سنت و بهره جستن فراوان از آنها در تألیف آثارش میباشد تا جایی که حجم بسیاری از اخبار موجود در تألیفات ایشان از منابع دست اول اهل سنت گرفته شده است.

ایشان یک جانبه نگری و تنها مراجعه به آثار پیروان یک مکتب را امری میدانست که درک درست معرفت اسلام را با مشکل مواجه خواهد ساخت؛ همان گونه که در جایی میگوید: «من مراجعات علمی به صحیح بخاری دارم و آرای درست آن را استنباط میکنم، همان گونه که به اصول کافی مراجعه و احادیث آن را دریافت میکنم و این گونه است که ما میتوانیم به راه درست معرفت اسلام دست پیدا کنیم.»[□]

در حقیقت، علامه فریادگر این حقیقت بود که در مواجهه با هر خبر و روایتی - چه از منابع مکتب اهل بیت(ع) و چه منابع مکتب خلفا- میبایست آن خبر را به دقت و از منظرهای متفاوت مورد ارزیابی و دقت نظر قرار داد؛ چرا که ایشان صدمات جبران ناپذیر ورود احادیث و اخبار جعلی و دروغین به حوزهی علوم اسلامی را دریافته بود.

علاوه بر این از آنجا که علامه اکثر آثارش را برای زدودن چهرهی تحریف و اتهام از دامان تشیع تألیف مینمود، یقیناً استفاده و ارجاع احادیث به منابع اهل سنت تأثیرات فزونتری در برداشت؛ چرا که متأسفانه نگاه اهل سنت به منابع تشیع به گونهای است که استدلال بوسیلهی این منابع به هیچ وجه آنان را مجاب نمینمود. در حقیقت؛ علامه ضرورت استدلال و محاجه را از آنچه مورد قبول اهل سنت بود برای زدودن اتهامات دروغین از مکتب اهل بیت(ع) دریافته و با استفاده از منابع مورد قبول اهل سنت آنان را به قبول نتایج آثارش مجاب می نمود.

توجه علامه به زاویهی دید و اعتقادات اهل تسنن و رعایت آنها در آثارش به خوبی متبلور است، برای مثال ایشان در جایی مینویسد: «در صحیح مسلم و مسند احمد و مدارک معتبر دیگر مکتب خلفا روایتی وجود دارد. راوی بر اساس این نقل، ام المؤمنین عایشه است. با وجود راویان دیگر، مننخست حدیث عایشه را نقل می کنم؛ زیرا اعتبار حدیث او در نزد اهل سنت از همه راویان بیشتر است.»[□]

□ - رک: همان، ۱/ ۲۲.

□ - روزنامهی خراسان، دوشنبه دوم مهر، ۱۳۸۶.

□ - علامه عسکری، نقش ائمه در احیاء دین، ۱/ ۲۱۷.

چگونگی گزارش و تحلیل و بررسی ماجرای نازل شدن سوره‌ی براءت نیز از توجه ویژه علامه به این مسأله حکایت مینماید؛ چرا که ایشان مینویسد: «لازم به ذکر است که تمام احادیثی که میخوانیم، از کتب معتبر اهل سنت است و از مصادر شیعی استفاده نمینماییم و اصولاً نیازی به این کار نیست؛ زیرا روایات معتبر اهل سنت تقریباً همگی جوانب این حادثه را روشن مینماید.»[□]

دکتر حامد حنفی با درک این ویژگی مثبت در آثار علامه در این باره مینویسد: «این استاد محقق سعی میکند که همه مباحث کتاب خود را با ادله‌ای که از نوشته‌های مخالفین شیعه گرد می‌آورد، اثبات کند؛ بدین ترتیب به نزدیکترین راه پای مینهد تا دشمنان شیعه را با براهینی از کلمات خودشان مغلوب نماید.»[□]

یکی دیگر از پیامدهای استفاده از منابع اهل سنت علاوه بر جلب توجه آنان، اشاره به نمایان بودن چهره‌ی حق و حقیقت در منابع اهل سنت است که علامه به خوبی آن را دریافته بود. این واقعیتی است که شخصیت‌های متعددی به آن اشاره نموده‌اند که ما به بیان سخن دکتر تیجانی در این زمینه اکتفا می‌نماییم، ایشان میگوید: «سه سال طول کشید که رفتم و دیدم چیزی که شیعه به ما میگوید در کتب خود ما اهل تسنن بوده است. آنها دروغ نگفتند. در یکی از کتاب‌هایم نوشت‌هایم که اگر برادران اهل تسنن کتاب‌های خودشان را بخوانند و کتابهای شیعه را نخوانند برای آنها کافی خواهد بود که به حقیقت واقعی برسند. اگر کتب تشیع اجازه ورود به کشورهای عربی و اسلامی را بگیرد تا خود مردم مطالعه و انتخاب کنند، خودشان حق را میابند.»[□]

ج) شیوه‌ی بحث

یکی از ویژگی‌های آثار علامه ارائه موضوعات نو و بدیع، روش استدلال قوی، بیان روشن و نثر بسیار سلیس و روان است، به گونه‌ای که ایشان در عین سادگی، آن گونه به بیان استدلال‌ات خود میپردازد که مخاطب چاره‌ای جز پذیرش مباحث مطرح شده نداشته، به ناچار تسلیم میگردد.

در حقیقت، در نگاه تیزبین علامه، شیوه‌ی ارائه‌ی بحث و نحوه‌ی استدلال از اهمیت بسزایی برخوردار بود که این مسئله بیش از پیش زمینه‌ی تأثیرگذاری آثار علامه را فراهم میساخت.

او میکوشید تا برترین شیوه را برای ارائه بحث و آشنایی همگان با واقعیت‌ها برگزیند. توجه علامه به این مسئله را میتوان از اظهار نظر ایشان درباره‌ی شیوه‌ی نگارش کتاب «معالم المدرستین» دریافت؛ آنجا که میگوید: «من معتقدم که از بهترین راه‌های دفاع از حریم مقدس اهل بیت (علیهم السلام) همین شیوه نگارش و مباحث کتاب «معالم المدرستین» است.»[□]

□ - همان.

□ - علامه عسکری، عبدالله بن سبأ، ترجمه: فهری زنجانی، نجمی، هریسی، ۱۲/۱.

□ - مصاحبه با دکتر تیجانی در سیمای جمهوری اسلامی ایران، برنامه ماه عسل، ۲۷ رمضان، سال ۱۳۸۶.

□ - سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی، سایت خبرگزاری قرآنی ایران.

بیتریدید، رویکرد علامه به چگونگی پیش برد مطالب، آثار ایشان را به یکی از پرارزشمندترین آثار جهان اسلام مبدل ساخته که نه تنها در عصر حاضر، بلکه آیندگان نیز از حیات علمی ایشان بی بهره نخواهند بود.

اینک به اظهار نظر چند تن از شخصیت‌های بزرگ در ارتباط با وجود این ویژگی در آثار علامه اشاره مینماییم.

آقای جیمس رابسن، مستشرق معروف انگلیسی، با ارسال نامه‌ای به علامه عسکری به جهت تحسین و تقدیر از علامه به واسطه کتاب گرانقدر «عبدالله بن سباء» می‌نویسد: «این کتاب محکمترین و قاطعترین تحقیق و بررسی است که با دقت فراوان و دید وسیع و کیفیت انتقادی بالا انجام گرفته است... این بحث‌ها برای من کاملاً قابل قبول و متقاعد کننده است و اطمینان دارم تمام کسانی که این کتاب‌ها را با تفکر باز مطالعه کنند، قدرت بحث انتقادی را که در آنها به کار رفته است، تحسین خواهند نمود».[□]

شیخ محمود ابوریه از متفکران اهل سنت که با مطالعه کتاب عبدالله بن سباء به آیین تشیع گروید، درباره‌ی این کتاب مینویسد: «من باید به شما بگویم این روش عالی و نوری که در این کتاب پیش گرفته‌اید، یک روش ابتکاری و بحث علمی و آکادمی است که هیچ کس پیش از شما این راه را نپیموده است. من از اعماق دل این موفقیت را به شما تبریک می‌گویم».[□]

احمد حسن هلال مصری نیز با ارسال نامه‌ای به علامه مبنی بر گرایش به تشیع به واسطه مطالعه آثار علامه مینویسد: به تحقیق، کتاب‌های شما بینظیر است و قدرت نفوذ بسیاری دارد. در طریق و روش آنها اثر غریبی است در آگاه نمودن به سوی حق و شیوهی استواری است برای مدرسه‌ی اهل بیت (علیهم السلام).[□]

سخن پایانی

بیتریدید بازتاب گسترده آثار علامه و تأثیرات شگرف آن بیانگر این حقیقت است که اسلام در هر عصر و دوره‌ای به عالمان بزرگی چون ایشان نیازمند است تا علم مبارزه با اتهامات دروغین و کجروی‌ها را به دوش گرفته و پیام ارزشمند اسلام و حقایق والای مکتب اهل بیت (ع) را در تمامی جهان طنین انداز نماید.

در حقیقت مرحوم علامه سید مرتضی عسکری نشان داد که می‌توان یک تنه به جنگ تحریفات و انحرافات دینی رفته، مسیر هدایت را پیش روی هزاران هزار انسان دیگر قرار داد.

□ - ر.ک: یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه عطاء الله سردارنیا، ۱۳/۳.

□ - عسکری، مرتضی، عبدالله بن سباء، ترجمه زنجانی، هریسی، نجمی، ج ۱.

□ - عسکری، مرتضی، دورالائمة فی احیاء السنة، ص ۵۲.

به امید روزی که پیام والا و ارزشمند اسلام در تمامی جهان، تشنگان زلال معرفت الهی را سیراب نماید.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

۱. عسکری، مرتضی، در راه وحدت، ترجمه و نگارش سردارنیا. واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، زمستان ۱۳۶۱.
۲. شیخ معتصم، سید احمد، حقیقت گمشده، ترجمه سید محمدرضا مهری، بنیاد معارف اسلامی قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.
۳. عسکری، مرتضی، عبدالله بن سبأ و دیگر افسانه‌های تاریخی، ترجمه احمد فهری زنجانی، محمدصادق نجمی و هاشم هریسی، مجمع علمی اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
۴. عسکری، مرتضی، دورالائمة فی احیاء السنة، اعداد القبة الثقافية، ۱۴۱۶ق.
۵. رضوی، سیدمرتضی، گفت و شنود با مردان اندیشه در قاهره، ترجمه ابوذر بیدا، مکتبه النجاج، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۶. کتاب گفتمان مهدویت، سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم، سخنرانی علامه عسکری، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
۷. عسکری، مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه عطاء الله سردارنیا، مجمع علمی اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
۸. عسکری، مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، مجمع علمی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۹. عسکری، سید مرتضی، ولایت علی در قرآن کریم و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۱۰. عسکری، سید مرتضی، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه ع. م. سردارنیا، مجمع علمی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

مجلات و روزنامه‌ها

- نشریه اخبار شیعیان شماره دهم.
 نشریه اندیشه صادق، شماره دهم.
 نشریه ایران، مورخ ۷۸/۶/۱۷.
 مجله پژوهش و حوزه، شماره نهم، بهار ۱۳۸۱.
 مجله علوم حدیث، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰.
 نشریه راه مردم، مورخ ۷۹/۴/۷.
 روزنامه خراسان، دوشنبه دوم مهر، ۱۳۸۶.

مصاحبه‌ها

مصاحبه با آقای کاظمی، شهریور ۸۶.

مصاحبه با دکتر وکیلی، شهریور ۸۶

مصاحبه با دکتر تیجانی در سیمای جمهوری اسلامی ایران، برنامه ماه عسل، ۲۷ رمضان، سال ۱۳۸۶.

اینترنت

سایت ایستا، خبرگزاری دانشجویان ایران، کد خبر ۱۴۹۶۶-۸۶۰۶

سایت تبیان، مورخ ۸۶/۶/۲۸.

خبرگزاری فارس، مهر ۸۶

خبرگزاری قرآنی ایران.